

تاثیر روی کارآمدن دولت تکنوکرات هاشمی رفسنجانی در تغییر گفتمان سیاست خارجی
جمهوری اسلامی ایران از آرمانگرایی دهه اول به عملگرایی دهه دوم انقلاب اسلامی
حمید سرمدی^۱ - علیرضا ازغندی^۲ - صادق زیباکلام^۳ - ابوالقاسم طاهری^۴
تاریخ ارسال: ۱۳۹۶/۹/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱۰

چکیده:

این پژوهش بر آن است که با استفاده از تحلیل گفتمان به بررسی زمینه‌ها و ریشه‌های تغییر رویکرد سیاست خارجی ایران از آرمان‌گرایی به عملگرایی با تکیه بر مقایسه دهه اول با دهه دوم انقلاب اسلامی بپردازد. با توجه به ماهیت اسلامی انقلاب و در اختیار گرفتن حاکمیت توسط اسلام‌گرایان، طرح شعارهای آرمان‌گرایانه و تسلط گفتمان آرمان‌گرایی در عرصه‌های داخلی و خارجی در سال‌های اولیه انقلاب امری عادی به نظر می‌رسید، اما گردش نخبگان سیاسی در سال ۱۳۶۸ و روی کار آمدن دولت عمل‌گرای اقتصاد محور هاشمی رفسنجانی موجب تغییر رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از رویکرد آرمان‌گرایی در دهه اول به عملگرایی در دهه دوم انقلاب اسلامی شده است.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، هاشمی رفسنجانی، سیاست خارجی، تغییر رویکرد، دهه اول و دوم انقلاب اسلامی

^۱ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

hamedsarmadi2000@gmail.com

^۲ - استاد تمام و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: نویسنده مسئول

a-azghandi@srbiau.ac.ir

^۳ - استاد تمام و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Sadeghizibakalam@yahoo.com

^۴ - استاد تمام و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

a-taheri@srbiau.ac.ir

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸، شاهد تحولاتی بنیادی در عرصه‌های مختلف بود. ساختار جدید رهبری و رده‌های اجرایی کشور به دنبال درگذشت امام خمینی(ره)، تغییر یافت. آیت الله هاشمی رفسنجانی که تا آن زمان ریاست مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشت، به ریاست جمهوری اسلامی ایران نائل گشت. دولت جدید به ریاست هاشمی رفسنجانی، اقدامات وسیعی را در طی ۸ سال - تا سال ۱۳۷۶ - در ابعاد مختلف سیاست داخلی و خارجی، اقتصادی، نظامی و امنیتی به انجام رسانید که به دوران سازندگی معروف شده است.

دوران سازندگی در نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ - ۱۳۷۶) یکی از دوره‌های مهم در تاریخ جمهوری اسلامی است. در این مقطع تاریخی، مسئولان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ رویکرد عمل‌گرایی به تعاملی سازنده با جهان خارج، در عین پایبندی به مبانی اصول‌گرایی اسلامی، اقدام کردند. این امر موجبات شکل‌گیری دوران تنش‌زدایی را فراهم آورد و با اعلام تنش‌زدایی سعی شد با اتخاذ اهدافی در عرصه سیاست خارجی، ضمن تأمین نیازهای داخلی، بر سازگاری اهداف سیاست خارجی با محیط بین‌المللی افزوده شود. ضرورت‌های ناشی از جنگ و به طور کلی اوضاع داخلی، که ایران را به اتخاذ سیاست‌های همکاری جویانه با سایر کشورها ترغیب می‌کرد، با تحولات گسترده در عرصه نظام بین‌الملل همزمان بود. به هر حال، یکی از مهمترین متغیرهایی که بر اتخاذ عمل‌گرایی در سیاست خارجی نظام انقلابی ایران در دهه دوم انقلاب تاثیر قابل توجهی داشت، روی کارآمدن دولت هاشمی رفسنجانی و کارگزاران تکنوکرات دولت وی بود.

گفتمان دولت هاشمی در حوزه سیاست خارجی

بعد از روی کار آمدن دولت هاشمی رفسنجانی به سبب الزامات ناشی از زیستن در نظام به هم پیوسته بین‌المللی، به تدریج رویکردهای واقع‌گرایانه در سیاست خارجی ایران پس از جنگ تحمیلی نمود یافت. نظام اسلامی ایران توانست تا حدود زیادی امکانات و محدودیت‌های خود را شناسایی کند و با توجه به آنها در جهت بازسازی روابط خود با سایر کشورها گام بردارد. جمهوری اسلامی برای سامان دادن به اوضاع داخلی و بازسازی کشور، اصلاح طلبی اقتصادی را سرلوحه کار خود قرار داد. عنصر محوری گفتمان حاکم در آن دوران (گفتمان

منفعت محور عملگرا)، عملگرایی در تنظیم و اجرای سیاست خارجی با رعایت ارزش‌های اسلامی تشکیل می‌داد. در واقع، خط‌مشی عملی و رفتاری ایران در صحنه سیاست خارجی در دهه دوم انقلاب را می‌توان با توجه به منافع ملی و ترتیبات منطقه‌ای و پرهیز از تحریک دیگران در قالب سیاست عادی‌سازی روابط مورد بررسی قرار داد. (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۵)

مجریان سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سال‌های ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی با توجه به ضروریاتی که کشور از لحاظ سیاسی و اقتصادی به آنها محتاج بود، برای دستیابی به اهداف مورد نظر و دستیابی نیازمندی‌های اقتصادی در پی آن برآمدند که سیاست آرمان-گرایانه را با سیاست کارآمدتری جایگزین نمایند. خلاصه آنکه، درک نخبگان سیاسی از سیاست جهانی در هشت سال ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی بیشتر ژئوپلتیک بود، تا ایدئولوژیک. به این جهت تلاش گسترده‌ای با انعطاف‌پذیری و جهت‌گیری‌های مصلحت‌گرایانه صورت گرفت تا ایران از انزوای سیاسی بیرون آید و یک ایران اسلامی قوی مورد توجه نظام بین‌الملل برپا گردد. (رمضانی، ۱۳۸۷: ۷۴) از مشخصه‌های این گفتمان می‌توان از اصول زیر نام برد:

۱. اولویت روابط بین دولتی بر مناسبات بین ملتی؛
 ۲. محاسبه‌گری و عقلانیت ابزاری در سیاست خارجی؛
 ۳. واقع‌بینی و توجه به قدرت مادی به‌ویژه قدرت اقتصادی؛
 ۴. اولویت منافع ملی حیاتی؛
 ۵. قبول اصالت مصالح اسلامی و ایدئولوژیک و منافع ملی؛
 ۶. عدم اصالت وضع موجود و نظم مستقر بین‌المللی و قبول آن به حکم ثانوی و مصلحتی؛
 ۷. تثبیت انقلاب در داخل و صدور آن از طریق الگوپردازی اقتصادی؛
 ۸. استکبارستیزی از طریق اعتراض به مداخله‌ها و سیاست‌های توسعه‌طلبانه آن؛ و
 ۹. عدم مداخله در امور داخلی کشورها. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۳۲-۱۳۱)
- در یک نظرگاه دیگر می‌توان اهداف سیاست خارجی ایران در دوره عمل‌گرایی منفعت‌محور را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. در دستور کار قرار گرفتن عادی‌سازی روابط با سایر کشورهای جهان؛
۲. برقراری ارتباط با سایر کشورها به خاطر ملزومات اقتصاد داخلی و سازندگی؛

۳. جایگزینی درک ایدئولوژیک از سیاست جهانی با درک ژئوپلتیک از آن؛
۴. عضویت فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛
۵. انعطاف‌پذیری و جهت‌گیری‌های مصلحت‌گرایانه جهت خروج ایران از انزوای سیاسی
تحمیل شده، ناشی از جنگ عراق علیه ایران؛
۶. تاکید بر صدور انقلاب از طریق پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور، تا بدین ترتیب
انقلاب با الگو شدن برای سایر محرومان صادر شود. (رضایی، ۱۳۸۹: ۵۶)

علل اتخاذ گفتمان عمل‌گرایی اقتصادمحور از سوی دولت هاشمی

تقارن بی‌سابقه‌ای از تغییرات چشمگیر در ساختار قدرت در داخل و خارج از ایران به تدریج سیاست ایران انقلابی را دستخوش دگرگونی ساخت. در داخل، پایان جنگ عراق علیه ایران، رحلت امام در خرداد ۶۸ و ظهور نقش‌آفرینی آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر، اصلاح قانون اساسی و افزایش اختیارات و تمرکز در قوه مجریه، و در خارج جنگ سال ۱۹۹۱ خلیج فارس، پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی، آرام‌آرام ولی به شکل قاطع آموزه‌ها و رویه‌های عملی ایران را در عرصه سیاست خارجی دگرگون کرد. (رمضانی، ۱۳۸۷: ۸۱)

پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸ و شکل‌گیری آتش‌بس در جنگ ایران و عراق را می‌توان نقطه عطفی در تحولات سیاسی ایران دانست. هاشمی رفسنجانی در ۱۸ جولای ۱۹۸۸ بیان داشت که پذیرش قطعه‌نامه و پیامدهای بعد از آن، فصل نوینی از تاریخ سیاسی ایران را شکل خواهد داد.

تحولات سیاسی و اجتماعی دهه دوم انقلاب و روی کار آمدن تکنوکراتها

کارگزاران سازندگی که از اول بهمن ۱۳۷۴ بوجود آمدند، با انشقاق از راست‌های سنتی، راست مدرن نامیده شد، نمایندگی روشنفکران، صنعتگران، دیوانسالاران و کارگزاران اقتصادی کشور را بر عهده گرفت که همان اقشاری بودند که با اصلاحات دولت هاشمی همراه بودند و در روند آن به هویت سیاسی و اجتماعی جدیدی دست یافته بودند. جانشین دبیرکل این حزب می‌گوید: «کارگزاران یک جریان تکنوکرات مسلمان است که فن‌سالاری جزو ذات کار-گزاران است». (صبح امروز، ۱۵/ ۷/ ۷۸) با توجه به اینکه دیدگاه‌های این حزب نقش مهمی

در عملگرایی دوران هاشمی داشت، تبیین دیدگاه‌های آنها در حوزه سیاست خارجی ضروری به نظر می‌رسد.

سیاست خارجی دولت تکنوکرات هاشمی رفسنجانی

کارگزاران در عرصه سیاست خارجی از شعارهای رادیکال انقلابیون جناح چپ در دهه ۶۰ و مباحث مبارزه با استکبار و امپریالیسم فاصله دارد، بنابراین از نوعی سیاست خارجی تنش‌زدا و میانه‌روانه پیروی می‌کند که بتوان در پناه آن به جذب سرمایه‌گذاری خارجی، استقرار از بانک‌های بین‌المللی و توسعه صادرات پرداخت. (دگرگونی سیاسی و اصلاحات دموکراتیک، ۱۳۷۹: ۳۵) به طور کلی باید گفت شعارهای حزب کارگزاران است که بر تعدیل اقتصادی، توسعه صنعتی، کاهش کنترل اجتماعی و دفاع هر چند محدود از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و نیز تأکید بر میانه‌روی و تنش‌زدایی در عرصه سیاست خارجی راه را برای اجرا و پیشبرد عملگرایی منفعت‌محور دولت هاشمی رفسنجانی هموار کرد. اما به هر حال، روی کار آمدن یک دولت نخبه‌گرای تکنوکرات خود متاثر از تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن زمان بود. در دوره سازندگی مهمترین هدف دولت متاثر از تحولات اقتصادی و اجتماعی، سازگاری تعهدها و مسئولیت‌های ایران با امکانات و مقدرات در سطح منطقه‌ای و تلاش برای دستیابی به یک سیستم کارا تر دیپلماسی و جلوگیری از منازعات جدید بود. (ستوده آرانی، ۱۳۸۱: ۳)

در این دوره روشنفکران دیوان‌سالار، طبقه متوسط و طیف‌های جدید سرمایه‌داری و حتی بخشی از روحانیون به دنبال ایفای نقش ژئوپلیتیک از سوی ایران، همکاری با همسایگان در زمینه انرژی و تجارت منطقه‌ای، افزایش نقش ایران در مسائل امنیتی و ثبات منطقه‌ای و خنثی کردن انزوای تحمیل شده از سوی آمریکا، از طریق رهیافت غیرایدئولوژیک و اصلاح ساختار اقتصادی بودند. (Maleki, 2009.3-10)

تغییر الگوی کنش سیاست خارجی در دوره سازندگی، نمونه‌ای برجسته از پیوند سیاست داخلی با سیاست خارجی و مبین آن است که سیاست خارجی به میزان زیاد تابع پویایی درونی جامعه و پیامدهای آن است. تغییر و تحولات اجتماعی، فکری و فرهنگی با سیاست قدرت در ایران در تعامل است. (نوروزی، ۱۳۸۲: ۲۰۰) تمایز و شکاف اول در سیاست خارجی ایران میان نیروهای ملی مذهبی لیبرال و مکتبی‌های پیرو خط امام ایجاد شد. شکاف دوم،

میان خود مکتبی‌ها در خصوص مسائل مهم آغاز شد و آنها را به دو دسته گروه‌ها و طبقات آرمان‌گرا و عمل‌گرا تقسیم کرد. با تعدیل در الگوی سیاست خارجی، به عنوان عمل‌گرایی و مصلحت‌اندیشی برای سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ برگزیده شد. (نوروزی، ۱۳۸۱: ۲)

هاشمی رفسنجانی معتقد بود جمهوری اسلامی ایران بدون گسترش انقلاب اسلامی در خارج از مرزهایش قادر به ادامه حیات نیست و تنها راه حیات انقلاب اسلامی را گسترش آن می‌داند. (لاریجانی، ۱۳۸۹: ۴۳) از این رو، از سال ۱۳۶۸ او سعی در تاثیرگذاری بر ساختار نظام بین‌الملل داشت. (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۳۴۹)

وضعیت نابسامان اقتصادی و ضرورت بازسازی کشور پس از جنگ تحمیلی و مواضع عمل-

گرایانه دولت هاشمی رفسنجانی

رکود شدید اقتصادی، وضعیت نگران کننده شاخص‌های اقتصادی، کاهش شدید قیمت نفت و درآمدهای نفتی، فشارهای شدید بین‌المللی از جمله خصوصیاتی بود که در نتیجه سال - های پایانی جنگ، دولت هاشمی رفسنجانی با آن مواجه بود. در واقع، در سال‌های پایانی جنگ در نتیجه فشارهای بین‌المللی ایران را از دسترسی به بازارهای معمول محروم بود. به هر حال، بررسی شاخص‌های اقتصادی در این دوره حاکی از رکود شدید اقتصادی است که از سال ۱۳۶۵ شروع و در سال ۱۳۶۷ به عمق خود رسید، که مهم‌ترین دلیل آن کاهش بسیار شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی از آخرین ماه‌های سال ۱۳۶۴ بود. جدول زیر قیمت نفت ایران در سال‌های جنگ تحمیلی از جمله سه سال پایانی را نشان می‌دهد.

قیمت (خرید نقدی یا spot price) نفت سبک و سنگین ایران در بازارهای جهانی در سال‌های جنگ - بر حسب بشکه دلار

سال قیمت نفت	۱۳۵۹ (۱۹۸۰)	۱۳۶۰ (۱۹۸۱)	۱۳۶۱ (۱۹۸۲)	۱۳۶۲ (۱۹۸۳)	۱۳۶۳ (۱۹۸۴)	۱۳۶۴ (۱۹۸۵)	۱۳۶۵ (۱۹۸۶)	۱۳۶۶ (۱۹۸۷)	۱۳۶۷ (۱۹۸۸)
نفت سبک	۳۴/۲	۳۳/۲	۳۰/۳	۲۸/۱	۲۶/۸	۲۶	۱۳/۵	۱۷	۱۳/۲
نفت سنگین	۳۳/۹	۳۱/۵	۲۸/۷	۲۷/۲	۲۶/۱	۲۵/۵	۱۳	۱۶/۵	۱۲/۸

منبع: Opec Annual Statistical Bulletin, 2005

افزون بر مشکل کاهش قیمت نفت، در طول سه سال پایانی جنگ به کرات پایانه نفتی خارک، نفتکش‌های حامل نفت ایران و کشتی‌های تجاری، مورد اصابت موشک‌ها و راکت‌های هواپیمای ارتش عراق قرار می‌گرفت. اما همان‌گونه که بیان شد آنچه در این دوره بر اقتصاد ایران ضربه بسیار وارد کرد، کاهش شدید قیمت نفت و درآمدهای نفتی بود که به توقف و یا کند شدن اجرای برخی پروژه‌های مهم و ملی انجامید.

علاوه بر این، با ادامه و تشدید حملات هوایی عراق به دروازه‌های ورود و خروج کالا، افزون بر بنادر جنوب، مبادی ارتباطی در شمال غرب کشور نیز آسیب دید. محدودیت‌های گوناگون اقتصادی ناشی از جنگ در این دوره، تولید برخی اقلام کشاورزی را در ایران از جمله گندم، کاهش داده بود. همچنین بخش صنعت نیز به دلیل نبود امکان تخصیص ارز به این بخش، به شدت آسیب دیده بود. مشکلات ناشی از جنگ و تحریم‌ها در سایر بخش‌های اقتصادی نیز مشهود بود و همین مشکلات به رشد منفی تولید ناخالص ملی و نامطلوب و نگران کننده شدن سایر شاخص‌های اقتصادی، از جمله کاهش سرمایه‌گذاری و نیز افزایش چشمگیر نرخ تورم انجامیده بود. در سه سال پایانی جنگ به دنبال افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی ناشی از جنگ، فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی کاسته شد و این روند تا پایان جنگ ادامه یافت.

در سال ۱۳۶۶ بخش کشاورزی، که در سال‌های پس از انقلاب عموماً رشد نسبتاً بالایی داشت، از سرعت رشد آن کاسته شد. به‌رغم رشد مثبت بخش کشاورزی در این سال، فعالیت‌های تولیدی در این بخش در حدی نبود که پاسخگوی افزایش تقاضا در کشور باشد و رشد تولید برخی محصولات زراعی مهم در سال ۱۳۶۶ در سطحی به مراتب پایین‌تر از رشد جمعیت کشور قرار داشت. طی سال ۱۳۶۶ واردات برخی از محصولات عمده کشاورزی به دلیل ناکافی بودن تولیدات داخلی، نسبت به سال قبل افزایش یافت. همچنین در این سال به دلیل ادامه مشکلات صنایع - که عمده آنها کمبود مواد اولیه و لوازم ماشین‌آلات خارجی بود - روند نزولی فعالیت‌های صنعتی ادامه یافت به گونه‌ای که شاخص تولید و تولید سرانه کارکنان کارگاه‌های بزرگ صنعتی نسبت به سال قبل آن، به ترتیب ۶/۴ درصد و ۷/۱ درصد کاهش یافت. فعالیت‌های تولیدی در بخش کشاورزی که از سال ۱۳۶۶ به کندی گراییده بود، در سال ۱۳۶۷ عملکرد منفی از خود نشان داد به نحوی که ارزش افزوده این بخش که در سال‌های

پس از انقلاب، برخلاف سایر بخش‌های تولیدی، همواره رشدی مثبت داشت در این سال با کاهش مواجه شد و از ۲۸/۸۶۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۶ به ۲۸/۶۸۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ کاهش یافت. در این سال رکود حاکم بر فعالیت‌های صنعتی که از نیمه دوم سال ۱۳۶۴ شروع شده بود، گسترده‌تر شد. تشدید مضیقه‌های ارزی، مشکلات مربوط به تأمین مواد اولیه و واسطه‌ای و دیگر تنگناهای تولیدی موجب گردید که در سال ۱۳۶۷ شاخص تولید کارگاه‌های تولیدی و تولید سرانه کارکنان کارگاه‌های تولیدی نسبت به سال قبل آن، به ترتیب ۷/۲ و ۶/۲ درصد کاهش یابد. روابط ایران و فرانسه نیز که از آغاز انقلاب به سردی گراییده بود، در طول جنگ با مشکلات بیش‌تری روبه‌رو شد و در نهایت در تابستان ۱۳۶۶ به مدت چند ماه روابط دو کشور کاملاً قطع شد و طی توافقاتی پاکستان به عنوان حافظ منافع ایران در فرانسه، و ایتالیا حافظ منافع فرانسه در ایران انتخاب شدند. در پی این قطع روابط، فرانسه از تمامی شرکت‌های نفتی خواست تا خرید نفت از ایران را متوقف کنند. (یزدانفام، ۱۳۷۸: ۱۲۷-۱۲۶)

به طور کلی، دولت هاشمی در شرایطی به قدرت رسید که جنگ تازه به پایان رسیده بود. جنگ با پیامدهایی همچون کاهش مستقیم تولید، ویرانی‌های سنگین در بخش‌هایی از کشور و نابودی نیروی انسانی و منابع محدود ارزی، هزینه‌های سنگینی بر دوش کشور گذارده بوده که سنگینی آن محسوس بود. گذشته از این، جنگ صادرات نفت را مختل کرد و بخش عظیمی از تأسیسات نفتی کشور را از کار انداخت. در سال‌های جنگ، بخش هنگفتی از بودجه کشور به هزینه‌های نظامی اختصاص داده شد. در سال‌های ۶۵ - ۱۳۶۰ به طور میانگین ۱۶/۹ درصد از هزینه‌های عمومی برای اداره جنگ، خرج شده است. در همین زمینه، هاشمی رفسنجانی فرمانده جنگ می‌گوید: «در سال ۱۳۶۵ یک سوم بودجه کل کشور به مصرف نیروهای مسلح رسید. در سال ۱۳۶۶ علاوه بر بودجه جاری برای نیروهای مسلح اعم از ارتش و سپاه، هفتاد میلیارد تومان که تقریباً یک چهارم بودجه است به جنگ اختصاص یافت. همچنین یک سوم امکانات ارزی کشور به جنگ اختصاص داده شد». (رزاقی، ۱۳۶۷: ۱۶۲)

در نتیجه، فعالیت‌های اقتصادی در کشور در این دوران در رکود به سر می‌برد. بودجه دولت هر ساله به طور روزافزونی با کسری مواجه می‌شد. با روی کار آمدن دولت هاشمی راه برای طرح گفتمان سیاسی جدید بر محور سازندگی و توسعه اقتصادی هموار شد. دولت هاشمی

اقدام به تدوین برنامه توسعه اول کرد تا بتواند بر مشکلات اقتصادی کشور فایق آید و تلاش کرد با تعدیل مواضع تندروهای سال‌های جنگ، سیاست خارجی منعطف‌تری را پیش گیرد تا هم آرامش بر فضای سیاسی کشور حاکم شود و هم به جذب سرمایه‌گذاری خارجی بینجامد. «آمادگی پذیرش همیاری دوستان و دولت‌هایی که مقاصد توسعه‌طلبانه و استعماری را نداشته باشند داریم». (احتشامی، ۱۳۸۷: ۱۷)

بنابراین، تامین توسعه اقتصادی و فناوری به عنوان اولویت نخست سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، متضمن و مستلزم بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی و دفاعی کشور پس از جنگ تحمیلی بود. آیت الله هاشمی رفسنجانی در دیدگاه‌های خود معتقد بود جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ وارد مرحله سازندگی و سازماندهی شده است؛ بنابراین مهمترین اولویت کشور بازسازی و توسعه اقتصادی برای تامین امنیت و الگودرزی است. وی می‌گوید: «ما مصمم هستیم ... مرحله طولانی را بدون خدشه وارد کردن به استقلال سیاسی به پایان رسانیده و الگوی یک کشور اسلامی را به جهان ارائه کنیم و چیزی که ما به دنبال آن هستیم استقلال اقتصادی، علمی، فنی و تکنولوژیک است». (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۴۰۲)

ضرورت برون‌گرایی و عملگرایی اقتصادی

همانطوری که پیش از این عنوان شد عواملی چون پایان یافتن جنگ، ضرورت بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ، محاصره اقتصادی و تنگناهای سیاست داخلی، نیاز به استفاده از امکانات و سرمایه‌گذاری خارجی باعث گردید تا مسئولان جمهوری اسلامی بر لزوم اتخاذ جهت‌گیری‌های جدید در سیاست خارجی و تلاش برای خروج ایران از انزوای بین‌المللی تلاش کنند. به همین دلیل، مقامات ایران متعاقب پذیرش قطعنامه، آشکارا اعلام داشتند که جمهوری اسلامی در صدد نزدیکی با جهان خارج در دهه دوم انقلاب خواهد بود. (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۷)

با تشکیل کابینه جدید آقای رفسنجانی در ۱۹۸۹ مسئولیت اجرایی دولتی بر عهده وی قرار گرفت و ایشان برای سروسامان دادن به اوضاع آشفته کشور، اقتصاد را اولویت کار خود عنوان کردند. جمهوری اسلامی ایران تحت مدیریت اجرائی رئیس جمهور رفسنجانی، به تلاشی برای جستجوی گزینه‌های رادیکال در راهبردهای توسعه‌ی اقتصادی پایان داده و در تعقیب

سیاست اقتصادی مطابق با الگوی کشورهای جهان سوم و سرمایه‌داری غرب برآمد. سیاست - های اقتصادی جدید بر آن بود تا روش‌های توده‌گرایی دهه‌ی ۱۹۸۰ را کنار گذاشته و همگرایی مستحکم‌تری را در سیستم اقتصاد سرمایه‌داری جهانی پیدا نماید. هدف این سیاست بازنگری اقتصاد درهم ریخته، گسترش حوزه مشارکت خارجی و خصوصی‌سازی اقتصاد داخلی کشور بوده است. لازم به تکرار است که ترکیبی از عواملی مانند رحلت امام خمینی(ره)، ضعف سازمانی جناح‌های تندرو، در داخل دولت و ظهور رهبری متحد و هماهنگ حول محور آیت‌الله خامنه‌ای - رفسنجانی، زمینه لازم برای بررسی و تحقیق راهبردهای جدید اقتصادی توسط دولت آقای هاشمی رفسنجانی را فراهم آورد. (احتشامی، ۱۳۷۸: ۲۱-۱۸)

در راستای کارکرد هماهنگ و عملگرایی کابینه، روند کلی ایدئولوژی‌زدایی از مدیریت اجرایی کشور در دوران هاشمی رفسنجانی افزایش یافت. این امر از طریق انتصاب تکنوکرات‌هایی انجام پذیرفت که دارای گرایش اجرایی و عرفی بودند، وی اعضای تیم اجرایی خود در دولت را به نام کابینه سازندگی نامگذاری نمود. وی بر تخصص، مهارت‌های فنی و توانایی‌های اداری وزرای خود در اداره امور محوله تأکید داشت. هاشمی فضایل اسلامی و گرایش‌های انقلابی را امری لازم، اما ناکافی می‌دانست. این امر روند عملگرایی در رفتار اجرایی کابینه را سرعت بخشید. (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۰۰)

بنابراین، در برنامه‌ریزی و ساماندهی اقتصادی کشور سیاست درهای باز اقتصادی با تکیه بر استراتژی‌هایی چون:

۱. خصوصی‌سازی؛
۲. ضابطه‌زدایی فعالیت‌های اقتصادی در حوزه خدمات مالی و بانکی؛
۳. تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی در حوزه‌ی اقتصاد داخلی؛
۴. دریافت قرضه خارجی؛
۵. ایجاد مناطق آزاد در سراسر کشور؛
۶. فعال‌سازی، توسعه و نوسازی بازار بورس تهران؛
۷. کاهش ارزش ریال؛
۸. کاهش تدریجی یارانه‌ها؛

۹. آزادسازی قیمت‌ها؛ و

۱۰. برگرداندن متخصصین و سرمایه‌های ایرانی خارج از کشور،

محورهای اصلی فرایند بازسازی اصلاح اقتصادی قرار گرفت و در اولین دوره برنامه‌ی ۵ ساله اقتصادی کشور پیاده گردید. (احتشامی، ۱۳۷۸: ۲۴-۲۳)

بنابراین، راهبرد برنامه‌های اول و دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران توسعه صادرات به معنای برون‌گرایی اقتصادی بود. پیش‌نیاز و پیش‌شرط لازم این راهبرد نیز اقتصاد بازار آزاد بر مبنای آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی گسترده و همه‌جانبه بود. در چارچوب اصلاحات اقتصادی از بالا، ایران تمایل خود را برای پیروی از سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در راستای خصوصی‌سازی و گذار از اقتصاد مبتنی بر جایگزینی واردات به اقتصاد مبتنی بر صادرات اعلام کرد. در این دوره ایران به دنبال ارائه چهره جدیدی از خود در عرصه جهانی بود؛ چهره‌ای که در صدد مقابله با نظام سرمایه‌داری، بلکه در صدد تعامل با نظام سرمایه‌داری بود و هدف دولت نیز این بود که نیروهای انقلابی را درگیر این موضوع کند. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۹۲) دولت تلاش کرد تا این همگرایی را با در پیش گرفتن سیاست اقتصادی دنبال نماید. در همین راستا، برنامه تعدیل اقتصادی، اولویت سیاسی- اقتصادی ایران در داخل قرار گرفت. هر چند این سیاست تعدیل اقتصادی بیشتر به یک برنامه کوتاه‌مدت شبیه بود تا به یک برنامه توسعه‌ای بلندمدت. (مومنی، ۱۳۸۶: ۲۴۵-۲۴۴) به هر حال، توسعه سیاسی و اقتصادی در شرایط پس از جنگ زمانی اتفاق می‌افتاد که ایران بتواند خود را مورد ارزیابی قرار داده و جایگاه خویش را در محیط بین‌المللی پیدا نماید. امری که باعث شد ایران خود را به لحاظ رفتاری تجدید سازمان نموده و الگوی جدیدی را در روابط خارجی خود مورد جستجو قرار دهد. (متقی، ۱۳۸۸: ۱۷۱) ناگفته نماند که این سیاست‌های دولت سازندگی همزمان با تحولات جهانی اقتصاد بین‌الملل و روی آوردن دولتهای غربی به سیاست‌های اجماع واشنگتن روی می‌داد. به طور کلی، پذیرش ایران از سوی جامعه جهانی و گشایش درهای اقتصاد جهانی به روی ایران برای حرکت به سمت نوسازی و توسعه پس از جنگ، نیازمند حرکت‌های همسو با تحولات اقتصاد جهانی و سیاست‌های پیش روی آن بود که دولت هاشمی با عملگرایی و برون‌گرایی در پی تحقق آن از طریق جلب اعتماد جامعه جهانی برآمد.

نتیجه‌گیری

شرایط داخلی پس از جنگ، ضرورت تحول در اولویت‌بندی اهداف سیاست خارجی بر اساس تأمین نیازهای اقتصادی و توسعه کشور را خاطر نشان می‌کرد. نابسامانی‌های ناشی از جنگ و ضرورت بازسازی مناطق جنگی و سازندگی کشور، ایران را به اتخاذ سیاست‌های همکاری جویانه با سایر کشورها ترغیب می‌کرد. تأمین هزینه‌های مالی بازسازی نیازمند افزایش درآمدهای نفتی بود. این مهم علاوه بر بازسازی صنایع و تأسیسات نفتی، از طریق بهبود روابط با کشورهای تولید کننده نفت و همچنین افزایش سطح همکاری با کشورهای خارجی در راستای تأمین منابع ارزی از آنها مقدور بود.

بدین ترتیب تأمین نیازهای توسعه‌ای ایران (بازسازی و سازندگی) نیازمند تغییراتی در اهداف و رویکردهای سیاست خارجی بود تا از این طریق نیازهای ارزی برنامه اول و دوم توسعه کشور با همکاری کشورهای جهان تأمین شود که با روی کار آمدن دولت تکنوکرات هاشمی رفسنجانی این امر محقق گردید. عملگرایی هاشمی رفسنجانی به موازات پایبندی به اصول انقلاب، برای برپایی یک ایران مقتدر مورد توجه نظام بین‌الملل، تلاش گسترده‌ای با انعطاف‌پذیری و مصلحت‌جویی انجام داد تا جمهوری اسلامی از انزوای سیاسی تحمیل شده در هشت سال جنگ بیرون آید و با واقعگرایی سیاسی به تأمین منافع ملی و بازسازی کشور بپردازد.

منابع فارسی:

کتب

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)، سیاست ایران در دوران سازندگی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران: نشر فرهنگ گفتمان
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر سمت
- دگرگونی سیاسی و اصلاحات دموکراتیک (۱۳۷۹)، گفتگو با غلامحسین کرباسچی و سید حسین مرعشی، تهران: حزب کارگزاران سازندگی ایران
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۷)، اقتصاد ایران، تهران: نشر نی
- رضانی، روح الله (۱۳۸۷)، چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی
- سید جلال دهقانی فیروزآبادی، فیروزه رادفر (۱۳۸۹)، الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۸۹)، مقولاتی در استراتژی ملی ایران، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب

- متقی، ابراهیم (۱۳۸۸)، دیپلماسی نوین و سیاست خارجی ایران در روابط با قدرت‌های بزرگ، حسین پوراحمدی و همکاران، دیپلماسی نوین؛ جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۶)، اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار

مقالات

- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۸)، تنش‌زدایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۷-۷۸)،

- فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴
- رضایی، علیرضا (۱۳۸۹)، تبیین دوره‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر
تئوری‌های روابط بین‌الملل، فصلنامه راهبرد، سال شانزدهم، شماره ۴۸
- ستوده آرانی، محمد (۱۳۸۱)، رابطه ساختار/ کارگزار: چارچوبی برای مطالعه سیاست خارجی
ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۱
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۷)، بررسی رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر
مسئله کارگزار- ساختار، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره ۲
- نوروزی، نورمحمد (۱۳۸۲)، سیاست خارجی ایران، راهبرد، شماره ۳۱
- یزدانفام، محمود (۱۳۷۸)، روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب پنجاهم: اسکورت نفتکش‌ها،
تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

خبرگزاری

روزنامه صبح امروز، ۱۳۷۸/۷/۱۵

English resources

- Maleki, Abbas (2009), "Iran's Regional Foreign Energy Policy", 2004, [http://-
www.caspianstudies.com/foreignpolicy/my%20new%20artical,20.Sep](http://www.caspianstudies.com/foreignpolicy/my%20new%20artical,20.Sep).